

## معناشناسی حالات اخروی صالحان و گنهکاران در نیمه نخست قرآن کریم براساس نظریه تلفیق مفهومی<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه علم معناشناسی از جمله علوم است که در پژوهش‌های قرآنی کاربرد فراوانی دارد. معناشناسی شناختی به‌عنوان شاخه‌ای از علم معناشناسی است که ارتباط بین صورت و معنا را ارتباطی محکم می‌داند که هیچکدام مستقل از دیگری نیست. نظریه تلفیق مفهومی (۱۹۹۳: فوکونیه و ترنر) نیز با این رویکرد مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان شناختی است و در مسائل مختلف زبان‌شناسی توانسته راهگشای بسیاری از ساخت‌های زبانی دارای معنای مجازی و بیان‌کننده معنای دقیق و جامعی از آنها باشد. موضوع حالات اخروی صالحان و گنهکاران از جمله موضوعات قرآنی است که با تعبیر مختلفی بدان پرداخته شده‌است. برای درک و فهم دقیق این موضوع، نظریه تلفیق مفهومی ابزاری دقیق و رهگشاست. تلفیق‌های ساخته شده از لحاظ ساختار به دو نوع تلفیق ساده و چندگانه و از لحاظ شبکه یکپارچه‌سازی به چهار نوع؛ تلفیق‌های بسیط، آینه‌ای، تک‌منظر و دومنظر تقسیم می‌شوند که در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، ابتدا ساختار آنها بررسی و سپس از لحاظ شبکه‌ای نوع هر کدام تعیین شده‌است. نتیجه حاکی از این است که اغلب نمونه‌های قرآنی در این پژوهش دارای ساختاری ساده‌اند. از نظر شبکه‌های یکپارچه‌سازی نیز تعداد تلفیق‌های دومنظر بیشتر از مابقی است و این خود دال بر تازگی و میزان پیچیدگی در نمونه‌های بررسی شده می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی شناختی، تلفیق مفهومی، قرآن، قیامت.

### ۱- مقدمه

بی‌شک شناخت مضامین عالی قرآن در ابتدا از طریق آشنایی با معانی و مفاهیم واژه‌ها صورت می‌پذیرد. قرآن کریم دارای عرف زبانی خاص خود است، شناخت مفاهیم زیبای آن مستلزم شناختی فراگیر از دانش زبان‌شناسی است که بدون توجه به آنها نمی‌توان به مفاهیم اصطلاحات قرآنی دست یافت. یکی از موضوعات اساسی در قرآن که بسیار مورد توجه و تأکید است موضوع قیامت است، در کلمات، جملات و تعبیر زیادی به این نام و مشتقات آن پرداخته شده‌است.

تلاش زبان‌شناسان در دوره‌های مختلف بر این بوده‌است که نحوه رسیدن مخاطب یک ساخت زبانی دارای معنای مجازی به معنای اصلی را براساس نظریات و روش‌های مختلف بررسی کنند. با توجه به اینکه در دستورشناسی «ذهن» نقشی اساسی دارد، عملکرد ذهنی مخاطب برای کشف معنای مقصود به روش‌های مختلف

---

<sup>۱</sup>-Conceptual Blending.

چون استفاده از نظریه‌های استعاره مفهومی و تلفیق مفهومی، قابل تبیین است. زبان‌شناسان شناختی معتقدند که تلفیق جریانی است که نقش اساسی در زبان و تفکر دارد.

از خصائص این نظریه حصول ساختاری پیدایشی برای رسیدن به کنه معنا و درک آن است. پژوهش حاضر قصد دارد که با استفاده از آرای نظریه‌پردازان در حوزه تلفیق مفهومی، ساختار جملات و کلمات دارای تلفیق مفهومی در موضوع قیامت را مورد مطالعه قرار دهد و شبکه‌های معنایی حاصل از این ساختارها را تعیین کند تا معنای حقیقی و اصلی را کشف و با بیانی زیبا به مخاطب عرضه کند. در این پژوهش ضمن پرداختن به مسائل فوق سعی شده که به سؤالات زیر پاسخ داده شود؟

۱- استفاده از تلفیق مفهومی چه نقشی در معرفی حالات اخروی صالحان و گنهکاران دارد؟

۲- کدام یک از انواع شبکه‌ها و ساختارهای تلفیق مفهومی در معرفی حالات اخروی صالحان و گنهکاران کاربرد بیشتری دارد؟

۳- در آیات بررسی شده، کدام پیام در مورد مرگ و قیامت با استفاده از تلفیق مفهومی، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است؟

نگارندگان در این پژوهش برآنند تا با الگوگیری از نظریه تلفیق مفهومی که از سوی فوکونیه و ترنر (۱۹۹۳م) در چارچوب معناشناسی شناختی معرفی شده است، ساختار برخی از آیات نیمه نخست قرآن در معرفی حالات اخروی صالحان و گنهکاران را بررسی و با بیان نوع شبکه‌های یکپارچه‌سازی، بخشی از زیبایی‌های آنها را از منظر نظریه مذکور بیان کنند.

## ۲- پیشینه پژوهش

آثار پیشین مرتبط با موضوع پژوهش، در دو بخش آثار پژوهشگران غیر ایرانی و ایرانی تقسیم می‌شوند:

### ۲-۱- آثار پژوهشگران غیر ایرانی

- مقاله «ورودی برای دایره‌المعارف اجتماعی و رفتاری علوم زبان‌شناختی» نوشته فوکونیه (۲۰۰۰)؛ این مقاله به کاربردهای تلفیق مفهومی در ساختار معنا در زندگی روزمره، هنر، علوم، مخصوصاً علوم اجتماعی و رفتاری پرداخته است. در این مقاله نگارنده به توضیح سازوکار تلفیق مفهومی و اجزای یک شبکه تلفیقی می‌پردازد و روابط درون حوزه‌ای<sup>۱</sup> و برون حوزه‌ای<sup>۲</sup> را برای این اجزا در نظر می‌گیرد و همچنین ابزارهای شاخصی همچون زمان، مکان، علت و معلول و... برای فشردگی<sup>۳</sup> این روابط قائل است.

- مقاله «تلفیق مفهومی؛ صورت و معنا» نوشته فوکونیه و ترنر (۲۰۰۳)؛ تلفیق مفهومی در این مقاله اصول ذهنی پایه‌ای دانسته می‌شود که منجر به ساخت معنای جدید، درک جهانی و فشردگی مفهومی برای ذهن می‌شود و رابطه‌هایی را بین صورت و الگوی ساختار معنای زبان‌شناسی در تلفیق مفهومی و فشردگی در نظر می‌گیرند.

---

۱- inner\_space Relation

۲- outer\_space Relation

۳- compression

- کتاب «زبان‌شناسی شناختی» اثر ایوانز و گرین (۲۰۰۵)؛ فصلی از این کتاب به بررسی نظریه تلفیق مفهومی اختصاص داده شد و از مثال‌های زبانی و غیر زبانی برای شرح این نظریه استفاده شد. ایوانز و گرین بیان کردند که این نظریه یک نظریه متمایز است و به توضیح پدیده‌هایی می‌پردازد که نظریه فضاهای ذهنی و استعاره مفهومی<sup>۱</sup> قادر به توضیح آن نیست.

- کتاب «راهنمای زبان‌شناسی شناختی» اثر تیلور و لیتل مور<sup>۲</sup> (۲۰۱۷)؛ فصلی از کتاب نمای کلی از نظریه تلفیق مفهومی را از دیدگاه فوکونیه و ترنر در اختیار خواننده قرار می‌دهد. این کتاب، هدف نظریه تلفیق مفهومی را ارائه کلی و شناختی برای ماهیت ساخت معنا و پیدایش مفاهیم جدید بیان کرده‌است به طوری که این الگو تمام حیطه‌های مرتبط با ساخت معنا را دربر می‌گیرد.

## ۲-۲- آثار پژوهشگران ایرانی

- مقاله‌ی «روایت‌شناسی شناختی (کاربست نظریه آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانه ایرانی» نوشته اردبیلی و دیگران (۱۳۹۴)؛ نگارندگان در این مقاله به این موضوع می‌پردازند که چگونه با استناد از مؤلفه‌ها و فرایندهای مطرح در نظریه تلفیق مفهومی می‌توان نحوه تصویرسازی در قصه و ساخت معنا را با توجه به مؤلفه پیوستگی معنا در قصه‌ای از قصه‌های عامیانه نشان داد.

- کتاب «درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی» اثر راسخ مهند (۱۳۸۹) کتابی است که به معرفی اصول و مفاهیم مطرح در زبان‌شناسی شناختی می‌پردازد. کتاب اینگونه بیان می‌کند که زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که به مطالعه زبان براساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی و به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجربیات اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد و با مطالعه زبان می‌تواند به ماهیت و ساختار افکار و آرا ذهن انسان پی برد.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرجان لاری متفکر (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی آمیزش مفاهیم در نمونه‌هایی از عناوین خبری در بخش ورزشی روزنامه خبر جنوب» این پایان‌نامه به بررسی عناوین خبری در بخش ورزشی روزنامه خبر جنوب در چارچوب نظریه تلفیق مفهومی می‌پردازد. پژوهشگر عناوین بخش ورزشی روزنامه خبر را استخراج کرده و آنها را طبق دسته‌بندی‌های ارائه شده توسط فوکونیه (۲۰۰۲) گروه‌بندی کرده‌است. بنابراین ۵۴ عنوان خبری دارای تلفیق مفهومی را استخراج کرده، بسامد وقوع انواع تلفیق را مشخص و توزیع آن را بررسی کرده‌است.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد نرجس ندیمی (۱۳۹۲) تحت عنوان «بررسی و تحلیل اخبار سه شبکه تلویزیون ایران براساس نظریه آمیزه مفهومی» این پایان‌نامه به بررسی اخبار سه شبکه‌ی تلویزیونی ایران به مدت سه ماه براساس نظریه تلفیق مفهومی می‌پردازد. نگارنده از پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که بسامد استفاده از نظریه‌ی تلفیق مفهومی در انواع خبر شبکه‌ی یک، دو، سه متفاوت است.

---

۱- conceptual metaphor theory

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهاره یوسفیان (۱۳۹۶) تحت عنوان «بررسی استعاره مفهومی و تلفیق مفهومی در گروه‌های اسمی زبان فارسی: رویکردی شناختی» این پایان‌نامه به بررسی و تحلیل وجود تلفیق مفهومی و اسم-های مرکب<sup>۱</sup> زبان فارسی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی می‌پردازد. وی صد داده یعنی اسم مرکب فارسی که دارای معنای مجازی می‌باشند را از فرهنگ فارسی معین و برخی از شم‌زبانی‌گوشوران استخراج کرده است و این اسمی مرکب را ابتدا از لحاظ ویژگی‌هایی همچون برون مرکز، درون مرکز و دو هسته‌ای بودن، مقوله نحوی اجزای سازنده و شفافیت و تیرگی معنایی توصیف و بررسی می‌کند و به تحلیل این اسم‌های مرکب از منظر تلفیق مفهومی می‌پردازد.

با دقت در پژوهش‌های انجام گرفته در مورد کاربرد تلفیق مفهومی، درمی‌یابیم که آنها غالباً مربوط به پژوهشگران غیرایرانی است و مطالعات اندکی که در این حوزه به زبان فارسی انجام شده است. نیز درحوزه قرآن و موضوعات قرآنی نیست، در حالی که حوزه قرآن و موضوعات آن از بهترین جایگاه‌های کاربرد تلفیق مفهومی و غنی‌ترین منابع بررسی و تحقیق و تفحص در این موضوع می‌باشد. لذا نگارنده در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که کاربرد نظریه تلفیق مفهومی در بررسی آیات مربوط به قیامت ضرورت دارد و می‌تواند در فرآیند رسیدن ذهن مخاطب از صورت به معنای ساخت‌های مورد نظر بسیار راهگشا باشد و در ارائه تعبیر کامل، جامع و دقیق مفهوم آیات نقش بسیار بسزایی داشته باشد.

### ۱-۳. زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی که در دهه‌ی ۱۹۷۰ متولد شد. رویکردی است که به زبان به‌عنوان وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی می‌نگرد. اگرچه از آغاز زبان‌شناسی شناختی زمان زیادی نمی‌گذرد، اما امروزه می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین مکاتب زبان‌شناسی دانست. زبان‌شناسی شناختی یعنی مطالعه زبان چنانکه با آنچه به‌عنوان ذهن بشر می‌شناسیم سازگار بوده و با زبان به‌گونه‌ای برخورد کند که منعکس‌کننده و افشاگر ذهن باشد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۵۰). علاوه بر باور مذکور در مورد زبان‌شناسی شناختی راسخ مهند در کتاب «درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی» آورده که چامسکی و همفکران او ذهن را دارای ساختاری بخش‌مند<sup>۲</sup> می‌دانستند و زبان را نیز به‌عنوان حوزه‌ای مستقل در نظر می‌گرفتند که عملکردی مجزا از سایر قوای ذهنی داشت. همچنین حوزه‌های زبان مانند واج‌شناسی، معنی‌شناسی، نحو، صرف و کاربردشناسی را نیز مستقل از یکدیگر می‌دانستند و در واقع نگرش حوزه‌ای به زبان داشتند که برای هر حوزه قواعد و اصولی مطرح می‌شد که خاص آن حوزه بود و نمی‌توانستند آن را به کل نظام تعمیم دهند، اما زبان‌شناسان شناختی این نگرش حوزه‌ای در مطالعه زبان را نمی‌پذیرند. و از نظر آنها، زبان به‌عنوان پدیده‌ای جدا و مستقل از ذهن به‌شمار نمی‌رود بلکه زبان یکی از جلوه‌های کارکرد شناختی ذهن محسوب می‌شود (ر.ک: راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۲۳). با دقت در آرای لیکاف و لانگاکر در می‌یابیم که بر همین اساس آن‌دو مکتب شناختی را پایه‌گذاری کردند. آنها به این نتیجه رسیده بودند که زبان‌شناسی نحو-مدار زایشی

۲- compound words

۲ - modular

فاقد رویکردی معنی بنیاد است و مطالعه صورت نتوانسته مسائل مربوط به معنا را حل کند و بنابراین در تبیین و توصیف معنا ناکارآمد است و همچنین نمی‌تواند توانایی‌های شناختی انسان را توصیف کند (ر.ک؛ همان: ۲۴).

### ۲-۳. فضاهای ذهنی

حوزه‌های مفهومی (در استعاره‌ها) ساختارهای اطلاعاتی نسبتاً پایداری هستند که از قبل وجود دارند اما فضاهای ذهنی بسته‌های اطلاعاتی پویا، سیال و ساختارهای گذرای هستند که هم‌زمان که ما صحبت یا فکر می‌کنیم در خلال فرآیند برخط ساخت معنا ایجاد می‌شوند و این فضاهای ذهنی با یکدیگر درارتباطند و برهم تأثیر متقابل دارند. نظریه فضاهای ذهنی را فوکونیه در سال ۱۹۹۴ مطرح کرد و براساس تعریف وی، فضاهای ذهنی حوزه‌های مفهومی پیچیده اما گذرا و موقتی هستند که به یکدیگر مرتبطند و می‌توان در آن واحد تعداد زیادی فضای ذهنی داشت (با تصرف؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶، ۳۶۳).

فضاهای ذهنی موقعیت‌هایی هستند که در ذهن افراد تکلم‌کننده به یک زبان به وجود می‌آید، این موقعیت‌ها گاهی منطبق و گاهی غیرمنطبق با واقعیات هستند. برای مثال عبارت «پسری با بازوان قوی» گاهی فقط یک فضای ذهنی و گاهی اشاره به شخص خاصی می‌باشد. هر چند که در هر دو صورت فضای ذهنی این مفهوم یکسان است (پیتاجاهو، ۲۰۱۲: ۲۲).

اولین فضای ذهنی از شبکه فضاهای ذهنی را فضای پایه<sup>۱</sup> می‌نامند، معمولاً فضای پایه براساس واقعیت و اطلاعات پیش فرض می‌باشد. هر جمله معمولاً یک فضای ذهنی را ایجاد می‌کند. در این شبکه یک سری رابط<sup>۲</sup> نگاشت بین عناصر متناظر را در فضاهای مختلف به وجود می‌آورند. در ساخت فضاهای ذهنی «اصل بهینه‌سازی»<sup>۳</sup> حاکم است که طبق آن فضاهای ذهنی با حداقل دستور و فرمان صریح ساخته می‌شوند. مثلاً اگر ویژگی‌های عناصر متناظر بیان نشود یعنی یکسان نیستند (ر.ک؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳۷۲).

### ۳-۳. تلفیق مفهومی

نظریه تلفیق مفهومی بر پایه دو نظریه استعاره مفهومی و فضاهای ذهنی شکل گرفته است و می‌توان آن را امتداد و گسترش یافته نظریه فضاهای ذهنی دانست. استعاره مفهومی درک یک حوزه مفهومی براساس یک حوزه مفهومی دیگر است. اما تلفیق مفهومی یک فعالیت ذهنی پایه‌ای است که منجر به معنای جدید می‌شود و نقش بسزایی در ساخت معنا در زندگی روزمره بازی می‌کند. مطالعه نظام‌مند تلفیق مفهومی در سال ۱۹۹۳ توسط فونوکیه و ترنر آغاز گردید. برای هر تلفیق مفهومی می‌توان یک شبکه تلفیق مفهومی ترسیم کرد. شبکه تلفیق مفهومی به طور معمول و در غالب موارد از چهار فضای ذهنی مرتبط تشکیل شده است؛ دو فضای درون‌داد، فضای عام (شامل ساختار مشترک دو فضای درون‌داد) و فضای تلفیقی (به علاوه روابط درون فضایی و بین فضایی و از طریق فرافکنی انتخابی از فضاهای درون‌داد). ارتباط بین فضای تلفیقی و فضاهای درون‌داد حفظ می‌گردد و باعث تأثیر

۱- base

۲- connector

۳- contiguity

متقابل و پویای آن‌ها بر یکدیگر می‌شود. فضاهای ذهنی همچنان که فکر و گفتمان پیش می‌رود می‌توانند به طور پویا تغییر کنند (ر.ک به فونوکیه و ترنر، ۲۰۰۳: ۵۹).

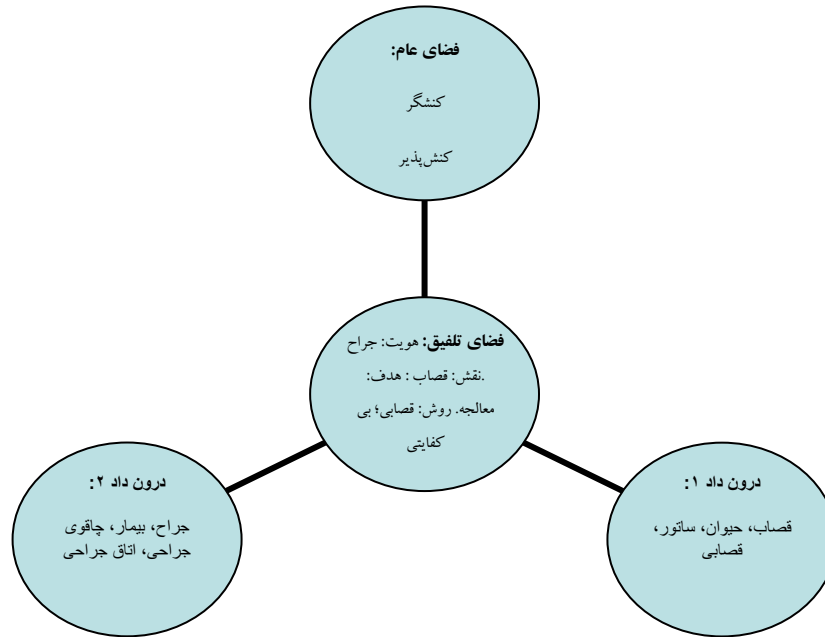
الک<sup>۱</sup> و کولسن معتقدند فرافکنی ساختارها به فضای تلفیقی به صورت انتخابی صورت می‌گیرد. بر این اساس بعضی از ساختارهای موجود در فضاهای درون‌دادی به فضای تلفیقی فرافکنده نمی‌شوند و این فرافکنی به صورت نسبی صورت می‌گیرد. ویژگی خاص نظریه تلفیق آن است که مفهوم تلفیق را به عنوان فرایندی لحظه‌ای معرفی می‌کند که امکان تشکیل ساختارهای نوظهور متفاوت ولی متناسب با عبارت‌های خاص را فراهم می‌کند. این خصوصیت در مورد استعاره‌ها و مجازهایی که جنبه قراردادی و کلیشه‌ای دارند، چندان آشکار نمی‌شود اما در تجزیه و تحلیل استعاره‌ها و مجازهای جدید مؤثر به نظر می‌رسد (الک و کولسن، ۲۰۰۴: ۲۳).

چکیده نظریه تلفیق مفهومی عبارت است از ایجاد ارتباط نسبی بین دو فضای ذهنی درون‌داد و فرافکنی به صورت انتخابی از آن فضاهای درون‌داد به یک فضای ذهنی تلفیقی جدید که سپس به صورت پویا، ساختاری پیدایشی و وجوه معنایی جدید را تولید می‌کند؛ یعنی اطلاعاتی که در هیچ یک از فضاهای درون‌داد وجود ندارد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۰۳).

فوکونیه و ترنر به این نتیجه رسیدند که در مواردی نظریه استعاره مفهومی نمی‌تواند به طور کامل و دقیق فرایندهای درکی صورت گرفته در ذهن مخاطب را توضیح دهد. به این جمله توجه نمایید: «آن جراح قصاب است»؛ این جمله مثال معروفی است که ایوانز و گرین در توضیح این مطلب به کار برده‌اند که در آن از نظر استعاری دو حوزه مفهومی جراح و قصاب وجود دارد اما هدف صرفاً رساندن حوزه مقصد یعنی قصاب بر اساس حوزه مبدأ یعنی جراح نیست. هدف گوینده رساندن این مطلب است که جراح مورد نظر بی‌کفایت است که این بی‌کفایتی در هیچ یک از حوزه‌های مبدأ و مقصد وجود ندارد و اگر بخواهیم این جمله را از طریق استعاره تحلیل کنیم نمی‌توان مضمون منفی را، که از جمله برداشت می‌شود، توجیه کرد. فوکونیه و ترنر برای توضیح این موضوع که ویژگی بی‌کفایتی از کجا نشأت می‌گیرد نظریه تلفیق مفهومی را مطرح کردند و به ساختاری به نام ساختار پیدایشی قائل شدند که از ادغام دو فضای جراح و قصاب شکل می‌گیرد. بدین وسیله بی‌کفایتی و عدم صلاحیت جراح را، با اینکه از ویژگی‌های هیچ‌یک از فضاهای درون‌داد نیست، می‌توان توجیه کرد. تفاوت اصلی نظریه تلفیق مفهومی با استعاره مفهومی نیز در ساختار پیدایشی وجوه معنایی جدید (در فضای تلفیقی) است. نمودار مربوط به شبکه تلفیقی جمله «آن جراح یک قصاب است» را به صورت شکل زیر ارائه داده‌اند (با تصرف؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۰۶).

---

۱-Alac



نمودار شبکه تلفیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دو فضای درون‌داد که یکی مربوط به قصاب است و دیگری جراح با هم آمیخته شده و یک فضای تلفیقی به دست می‌آید. نکته حائز اهمیت آن است که در ساختار پیدایشی عنصر «بی‌کفایتی» اضافه شده که در هیچ یک از فضاهای درون‌داد وجود نداشته‌است. مقایسه دو فضای درون‌داد با هم و نسبت دادن ویژگی‌های یک قصاب به جراح باعث ایجاد مفهوم بی‌کفایتی می‌شود. در این مثال فردی که در فضای تلفیقی وجود دارد جراحی است که از روش قصابی استفاده می‌کند (لاری متفکر، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۲).

یکی از مفهوم‌هایی که فوکونیه و ترنر (۱۹۹۸ و ۲۰۰۲) بر آن تأکید داشتند بیان این عقیده بود که شبکه‌های یکپارچه‌سازی، انواع مختلفی دارند که به‌صورت زنجیرهای مرتبط با هم وجود دارند. ایوانز و گرین (۲۰۰۵: ۴۲۶) اظهار می‌دارند که براساس دیدگاه فوکونیه و ترنر به‌طور کلی شبکه‌های یکپارچه‌سازی به چهار صورت مختلف وجود دارند و بنابراین براساس این تقسیم‌بندی چهار نوع تلفیق بسیط، آینه‌ای، تک‌منظر و دو‌منظر وجود دارد. در این قسمت به انواع شبکه‌های یکپارچه‌سازی می‌پردازیم:

### ۳-۳-۱ شبکه‌های بسیط و شبکه‌های آینه‌ای

ساده‌ترین گونه شبکه‌های یکپارچه‌سازی شامل دو درون‌داد است که چارچوب یکی از درون‌دادها نقش‌ها و دیگری ارزش‌ها را دربر می‌گیرد. چیزی که سبب ایجاد این شبکه یکپارچه‌سازی می‌شود، شکل‌گیری ساختاری تلفیقی است که در هیچ یک از درون‌دادها دیده نمی‌شود.

به اعتقاد فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲، ۲۴۴) ویژگی خاص شبکه‌های آینه‌ای این است که فضاهای درون‌دادی موجود در شبکه، چارچوبی یکسان دارند که در فضای تلفیق نیز منعکس می‌شود.

### ۳-۳-۲. شبکه‌های تک‌منظر و شبکه‌های دو منظر

در حالی که در شبکه‌های یکپارچه‌سازی بسیط فقط یکی از درون‌دادها چارچوب دارد و در شبکه یکپارچه‌سازی آینه‌ای دو درون‌داد چارچوبی یکسان و مشترک دارند. در شبکه‌های یکپارچه‌سازی تک‌منظر هر درون‌داد چارچوب مخصوص به خود دارد، اما فقط چارچوب یکی از درون‌دادها فضای تلفیقی را می‌سازد. در شبکه‌های یکپارچه‌سازی دو منظر مانند شبکه‌های یکپارچه‌سازی تک‌منظر هر دو درون‌داد چارچوب جداگانه‌ای دارند اما وجه تمایز این دو در این است که در شبکه‌های یکپارچه‌سازی تک‌منظر تنها چارچوب یکی از درون‌دادها در ساخت تلفیق به کار می‌رود؛ در حالی که در شبکه‌های یکپارچه‌سازی دو منظر، تلفیق به وسیله ساختارهای موجود در هر دو چارچوب موجود در درون‌دادها ساخته می‌شود. یکی از نکات مهم در این نوع شبکه‌ها این است که گاهی تلفیق تشکیل شده دارای ساختارهایی از درون‌دادهاست که با هم جور نیستند و حتی گاهی دارای تضاد نیز هستند و این ویژگی شبکه‌های یکپارچه‌سازی دو منظر را، نسبت به دیگر شبکه‌ها برجسته و قابل توجه می‌کند، چون این نوع شبکه‌های یکپارچه‌سازی به مفاهیمی تازه و در خور توجه منتهی می‌شوند. اما همیشه نیز این ویژگی در تلفیق ساخته شده دیده نمی‌شود (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۸).

### ۳-۳-۳. تلفیق‌های ساده و چندگانه

تلفیق‌ها از نظر پیچیدگی ساختار به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول تلفیق‌های ساده هستند یعنی تلفیق‌هایی که ساختار ساده‌ای داشته یا به عبارت دیگر همان ساختار اولیه و معمول مربوط به تلفیق‌ها (دو فضای درون‌دادی، یک فضای عمومی و یک فضای تلفیقی) را دارند. دسته دوم تلفیق‌های چندگانه هستند. در حالی که اغلب برای شبکه‌های یکپارچه‌سازی چهار فضا در نظر گرفته می‌شود (دو فضای درون‌دادی، یک فضای عمومی و یک فضای تلفیقی) نکته جالب توجه این است که تلفیق‌های ساخته شده خودشان می‌توانند به عنوان فضای درون‌دادی برای تلفیق‌سازی مجدد و ساختن تلفیق‌های جدید صورتی طبیعی مورد استفاده قرار گیرند و به این ترتیب تلفیق‌های چندگانه ساخته می‌شوند (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۹) که به تفصیل در نمونه‌های زیر بدان خواهیم پرداخت.

### ۴- تلفیق مفهومی در آیات قیامت

#### ۴-۱. انذار گنهکاران:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (آل عمران/۲۱)

فعل «بشّر» در این آیه در معنای استعاری به کار رفته است. اصل «بشارت» در لغت چیزی است که اثر آن از سرور و حزن بر چهره پیدا شود. لکن در عرف، در سرور و خبر خیر به کار می‌رود و استعمال آن در عذاب و محنت مجازی است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۴: ۲۴۱). استعمال حقیقی از این کلمه در آیاتی مانند: التوبه/۱۱۲ و یونس/۲/



آمده است ولی کلمه «بشارت» که برای خبر خوب به کار می‌رود در آیه مورد نظر به شیوه استعاره تصریحیه تبعیه تهکمیّه به کار برده شده است و آن به تناسب این است که خبر عذاب کفار در برابر بشارت بهشت به مؤمنان است و دیگر اینکه «بشارت» از «بشره» مشتق شده است و «بشره: چهره/ وجه» تغییر آن با سرور در خیر و با اندوه در شر است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۷۲۰).

در مورد استعاره به کار رفته در این آیه «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» استعمال «بشارت» در مقام انذار به جهت اهانت و توبیخ است، چنانچه در عرف نسبت به توعید کسی گویند: تحیت او زدن، و اکرام او فحش باشد و در موقع تنبیه گویند: غذائی برای او مهیا شده که یک وجب روغن دارد. و نیز «بشارت» عبارت است از خبری که مؤثر در قلب و به سبب آن صورت شخص تغییر کند و این ممکن است به واسطه فرح باشد یا به سبب غم (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۵: ۷۶). در این آیه (بَشِّرْهُمْ = اُنذرهم: بیم بده) پس «بشارت» که خبر شادی آور است برای «انذار» که ضد آن است استعاره آورده شده است، به سبب داخل کردن «انذار» در جنس «بشارت» به شیوه تهکم و استهزاء، یعنی به عذاب دردناک در جهنم خبر ده (صابونی، ۱، ۱۴۲۱: ۴۹۷؛ الهاشمی بک، ۱۳۷۳، ۲: ۱۷۴).

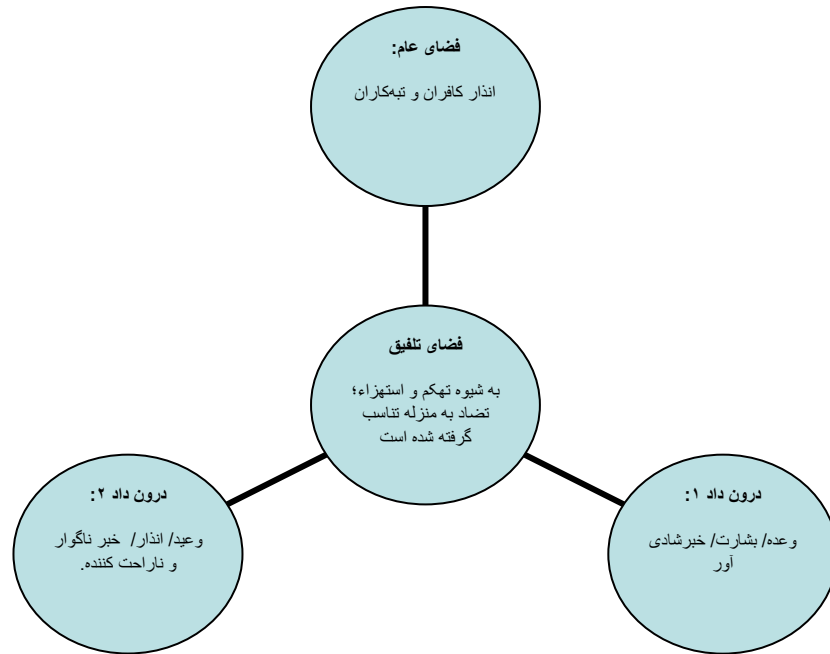
در آیه شریفه فوق تصویری از کافران به آیات الهی و قاتلان پیامبران و مردم عادل آمده است که فضای ذهنی وعده و بشارتی است که اصولاً خوشحال کننده است در درون داد اول به کار رفته و وعید و انذاری که اصولاً ناراحت کننده است در درون داد دوم قرار گرفته و در فضای تلفیقی بشارت از درون داد اول و ناراحت کنندگی از درون داد دوم تلفیق شده‌اند. در این فضای تلفیقی بشارت به شیوه تهکم خاصیت ترسناک بودن و ناگواری به خود گرفته است و تصور تازه‌ای را خلق نموده که مسوق به سابقه نیست و تازگی دارد و با توجه به حضور ساخت هر دو درون داد در فضای تلفیقی، شبکه تشکیل شده، دو منظری است.

**فضای عام:** انذار کافران و تبه کاران.

**درون داد اول:** وعده/ بشارت/ خبر شادی آور.

**درون داد دوم:** وعید/ انذار/ خبر ناگوار و ناراحت کننده.

**فضای تلفیقی:** به شیوه تهکم و استهزاء؛ تضاد به منزله تناسب گرفته شده است و لذا بشارت از درون داد اول و ناراحت کنندگی از درون داد دوم تلفیق شده و فضای جدید را ایجاد نموده‌اند.



#### نمودار ۴-۱

در این نمونه دو فضای درون داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون‌دادها مربوط به بشارت و چارچوب درون‌داد دیگر، انذار است) دارند؛ اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار نرفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی تک‌منظر است.

#### ۴-۲. نتیجه عهدشکنی

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۷۷)

در آیه فوق مجاز در تعبیر «وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ» می‌باشد، با توجه به سبک و سیاق آیه شریفه این تعبیر مجاز از استهانت و خواری و خشم بر کسانی است که پیمان خدا و سوگندهایشان را برای رسیدن به مقاصد دنیایی به بهای اندکی می‌فروشند لذا برای آنان در آخرت بهره‌ای نیست (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۷۷۹ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲: ۲۴)

در آیه شریفه فوق فضای ذهنی فضای تکلم نداشتن خداوند با عهدشکنان و نگاه نکردن خداوند به آنان به نشانه قهر از او به عنوان درون‌داد اول و فضای ذهنی اهمیت ندادن خداوند به انسان عهدشکن به عنوان درون‌داد دوم برای شبکه تلفیق در نظر گرفته شده است. فضای سوم از تلفیق این دو پدید آمده که در آن فضا، ساختاری نوظهور (سخن گفتن رودررو با خداوند) به وجود آمده است که عدم تکلم و عدم نگاه (به نشانه قهر و خشم) از سوی خداوندی است که در این فضا امکان تکلم و نگاه پیدا کرده است. مخاطب این آیه شریفه به لحاظ این که درک عمیق و دقیقی از جهان آخرت و وقایع آن ندارد به گونه‌ای مورد خطاب قرار گرفته گویی اینکه خداوند را می‌بیند و

با او صحبت می‌کند. از این نمونه آیات در قرآن فراوان آمده‌است به طوری که با تلفیق خاص معنایی و با تعقل، مخاطب در بطن معنا قرار می‌گیرد.

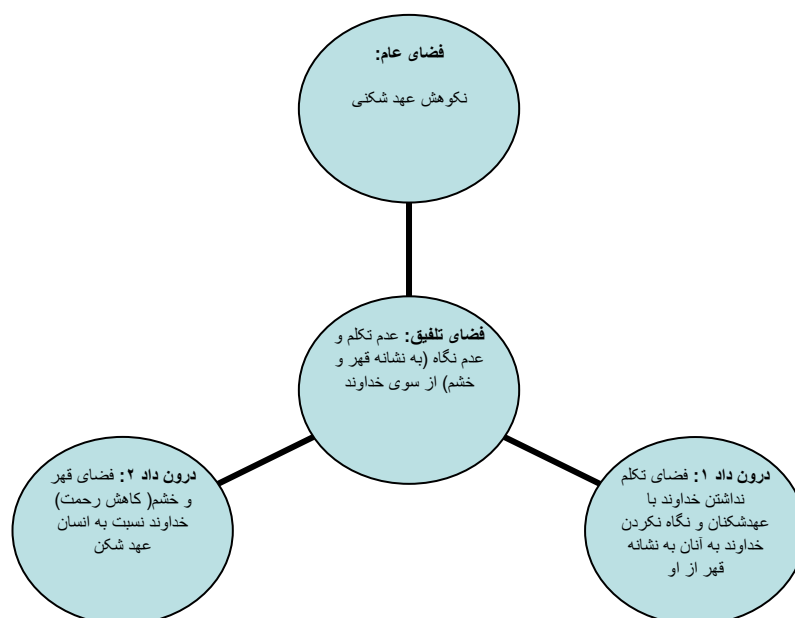
به نظر می‌رسد که خداوند در آیه فوق برای تقریب ذهن انسان در دنیای مادی و سوق دادن ذهن او به حقایق آخرت از معانی دنیای مشهود استفاده کرده و با تلفیق معنای این دو فضا، فضایی جدید و قابل درک برای انسان ایجاد کرده‌است. در این فضای جدید، انسانی متصور می‌شود که در برابر خداوند قرار گرفته درحالی که به علت نقض عهد الهی در دنیا، خداوند از او روی گردانده و به او اهمیتی نمی‌دهد.

### فضای عام: نکوهش عهد شکنی

**درون داد اول:** فضای تکلم نداشتن خداوند با عهدشکنان و نگاه نکردن خداوند به آنان به نشانه قهر از او.

**درون داد دوم:** فضای قهر و خشم (کاهش رحمت) خداوند نسبت به انسان عهد شکن.

**فضای تلفیق:** عدم تکلم و عدم نگاه (به نشانه قهر و خشم) از سوی خداوندی که در این فضا امکان تکلم و نگاه پیدا کرده‌است.



### نمودار ۲-۴

با عنایت به شبکه تلفیقی فوق، در این شبکه موجودی چون انسان با توانایی‌هایی حضور دارد که صاحب همه توانایی‌هاست؛ اما خداوند در برخورد با این انسان عهدشکن نه با او صحبت و نه به او نگاه می‌کند. در این مثال فضای تلفیقی حاصل از این دو درون‌داد، پیدایش ساختاری جدید است که در هیچ یک از فضاها درون‌داد به تنهایی وجود ندارد و آن نحوه برخورد خالق و مخلوق است به نحوی که تصور می‌شود مخلوق، خالق را می‌بیند و

صدای او را می‌شنود در حالی که واقعیت این نیست. حاصل تلفیق مفهومی فوق ساختاری ساده و شبکه‌ای دو منظر است.

در این نمونه دو فضای درون‌داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون‌داده‌ها مربوط به برخورد خداوند با انسان عهد شکن و چارچوب درون‌داد دیگر انسان عهد شکن است) دارند اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار رفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی دو منظر است.

### ۳-۴ شبهه افکنی در دین

**﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ (اعراف/۴۵)**

در آیه فوق استعاره در تعبیر «سَبِيلِ اللَّهِ» و «يَبْغُونَهَا عِوَجًا» می‌باشد. به نظر می‌آید که «يَبْغُونَهَا عِوَجًا» بیان (يَصُدُّونَ) است؛ یعنی: با ایجاد شبهات و ایجاد انحراف در دین خدا مردم را از آن منع می‌کنند و آن را ناحق جلوه می‌دهند در «مجمع» فرموده: جایز است (عِوَجًا) مفعول به (يَبْغُونَ) باشد یعنی «يَبْغُونَ لَهَا الْعِوَجَ» (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ۵: ۶۵). در کتاب «تلخیص البیان» آمده: در این آیه منظور از «سَبِيلِ اللَّهِ» دین خداست. و منظور از «ويَبْغونها عوجا» القای شبهات و وهمیات در دین خداست که آن را سست نشان می‌دهد (شریف‌رضی، ۱۴۰۶: ۱۴۶). در کتاب «جوامع الجامع» نیز با تکرار این معنی آمده: «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»: منظور این است که خود یا دیگران را از دین خدا بازمی‌دارند. «ويَبْغونها عِوَجًا»: و با ایجاد شک و تردید و شبهه‌هایی که گمان می‌کنند در راه خدا عیبی به وجود می‌آورند، برای راه راست خداوند یک مسیر انحرافی می‌جویند (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱: ۴۳۸).

نویسنده کتاب «الإتقان فی علوم القرآن» نیز در اثبات معنای فوق می‌گوید: «ويَبْغونها عِوَجًا» استعاره محسوس برای معقول می‌باشد، و جامع عقلی است (سیوطی، ۱۴۲۱، ۲: ۵۱).

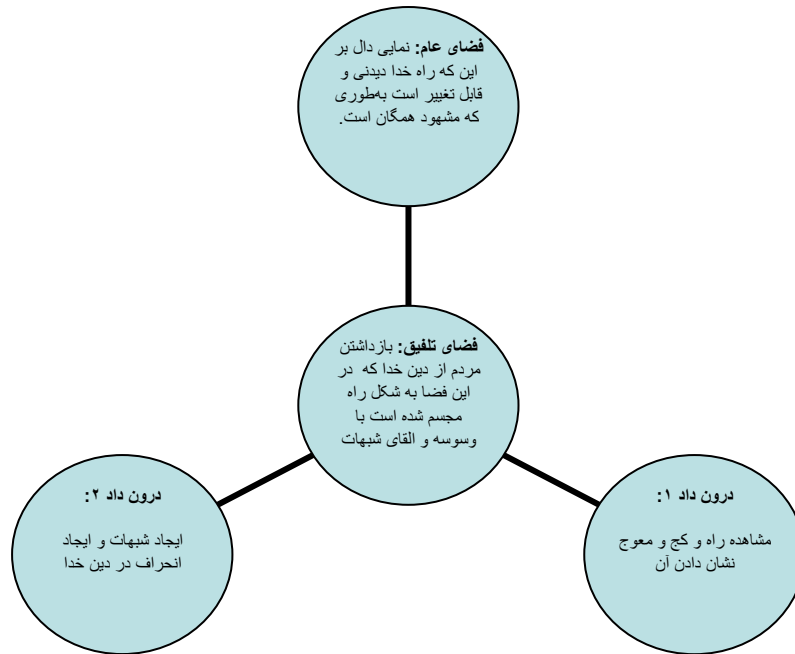
با عنایت به شبکه تلفیقی فوق، در فضای درون‌داد اول، کسانی هستند که راه خدا را کج و معوج نشان می‌دهند؛ این فرآیند در فضای درون‌داد دوم بدین صورت است که افرادی با ایجاد شبهات و ایجاد انحراف در دین خدا مردم را گمراه می‌کنند. فضایی عام در این شبکه حاکم است و آن حالت و نمایی دال بر این که راه خدا ملموس و دیدنی و قابل تغییر و جهت دادن است، به طوری که مشهود همگان است. در واقع فضای تلفیقی موجود در شبکه؛ بازداشتن مردم از راه خداست و آن همان دین خداست که گمراه‌کنندگان با وسوسه و القای شبهات، مسیر رسیدن به خدا را تغییر می‌دهند.

**فضای عام:** حالت و نمایی که دال بر این است که راه خدا ملموس و دیدنی و قابل تغییر و جهت دادن است به طوری که مشهود همگان است.

**درون‌داد اول:** مشاهده راه و کج و معوج نشان دادن آن

**درون‌داد دوم:** ایجاد شبهات و ایجاد انحراف در دین خدا

**فضای تلفیقی:** بازداشتن مردم از دین خدا که در این فضا به شکل راه مجسم شده است با وسوسه و القای شبهات که در این فضا می‌تواند مسیر رسیدن به خدا را تغییر دهد. این فضای تلفیقی در قالب ساختاری ساده و شبکه‌ای دو منظر ترسیم گردیده است.



#### نمودار ۴-۳

در این نمونه دو فضای درون داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون دادها مربوط به کج و معوج نشان دادن راه و چارچوب درون داد دیگر ایجاد شبهات و ایجاد انحراف در دین خدا است) دارند اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار رفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی دومنظر است.

#### ۴-۴ نتیجه فریب دنیا

(الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ) (اعراف/ ۵۱)

در این آیه شریفه عاقبت انسان‌های دلبسته به دنیا و فریفتگان آن به تصویر کشیده شده‌است، عاقبتی تأسفبار و جبران نشدنی، چرا که در قیامت این افراد چون فراموش شدگان تلقی می‌گردند، با اینکه فراموشی در ذات خداوند معنا ندارد، ولی او برای این انسان‌های فریفته از این تعبیر استفاده کرده تا اهمیت مطلب را بیان کند.

"نسیان" در این آیه به معنای فراموشی نیست، چون خداوند چیزی را فراموش نکرده و از حال کسی غافل نمی‌شود، بلکه معنایش این است که همان‌طوری که اینها در دنیا ما را فراموش کردند ما نیز امروز به لوازم زندگی‌شان نمی‌پردازیم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۸: ۱۶۷). زمخشری در ذیل این تعبیر می‌گوید: «فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ» یعنی اینکه با آنان (فریفتگان و منکران) مانند کسانی که بردگان خود را فراموش کرده‌اند و هیچ ذکر خیری از آنان ندارند، عمل می‌کنیم و هیچ اهمیتی به آنان نمی‌دهیم (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۱۰۹).

صاحب محاسن التأویل تعبیر زیبایی در مفهوم این آیه دارد: جزای روز قیامت در نتیجه عمل است، «نسیان» مجاز از ترک کردن و به حال خود گذاشتن است، در این آیه شریفه از صنعت مشاکله استفاده شده که زیبایی ظاهری و معنوی خاصی ایجاد شده است (ر.ک؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ۷: ۱۶۴).

در آیه شریفه فوق فضای ذهنی تعافل و خود را به فراموشی زدن به عنوان درون داد اول و فضای ذهنی یک انسان با خصوصیتی چون غفلت و فراموشی به عنوان درون داد دوم برای این شبکه ترسیم گردیده است. فضای سومی که از تلفیق این دو فضا ترسیم می شود و در آن فضا ساختاری نوظهور (فراموش کردن خداوند) به زعم می آید - که در واقع چنین نیست - این فضای تلفیقی در قالب ساختاری ساده و شبکه ای دومنظر ترسیم گردیده است.

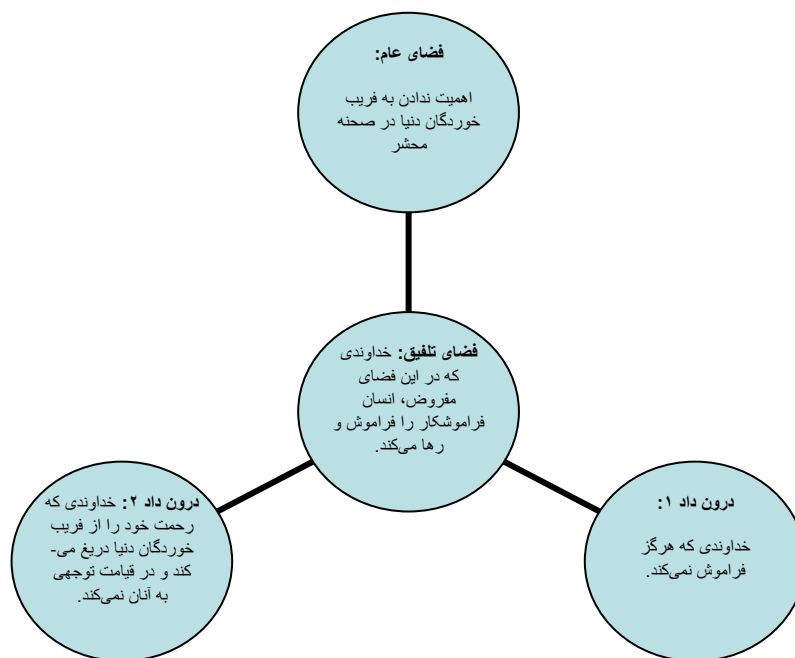
در این فضا به سبب تنبّه مخاطب و درک و فهم او این چنین القا گردیده است؛ چراکه بهترین راه فهماندن او، استعمال معانی قابل درک برای اوست. با این روش مخاطب کاملاً اهمیت مطلب را متوجه می شود. زیرا خداوند با کلمات و جملاتی از جنس کلمات و اصطلاحات دنیا با او صحبت می کند.

**فضای عام:** اهمیت ندادن به فریب خوردگان دنیا در صحنه محشر

**درون داد اول:** خداوندی که هرگز فراموش نمی کند.

**درون داد دوم:** خداوندی که رحمت خود را از فریب خوردگان دنیا دریغ می کند و در قیامت توجهی به آنان نمی کند.

**فضای تلفیقی:** خداوندی که در این فضای مفروض، انسان فراموشکار را فراموش و رها می کند.



در این نمونه دو فضای درون‌داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون‌دادها مربوط به خداوندی است که هرگز فراموش نمی‌کند و چارچوب درون‌داد دیگر خداوندی است که رحمت خود را از فریب خوردگان دنیا دریغ می‌کند و در قیامت توجهی به آنان نمی‌کند) دارند؛ اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار رفته‌اند؛ پس این تلفیق، تلفیقی دومنظر است.

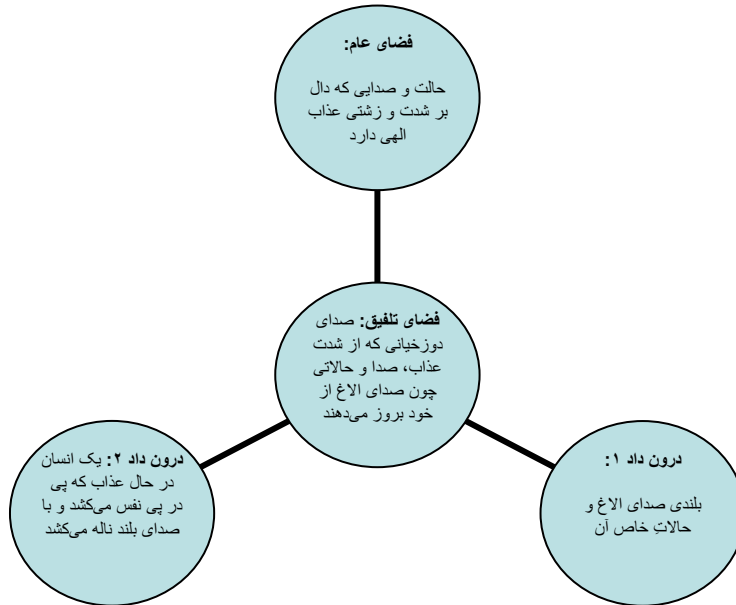
#### ۴-۵ حالات عذاب دوزخیان

(فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ) (هود/۱۰۶)

در آیه شریفه فوق صدای دوزخیان به صدای الاغ تشبیه شده که از طریق فضایی مجازی به تصویر درآمده است. در آیه: «لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ» زَفِير؛ نفس کشیدن پی‌درپی است به نحوی که که دنده‌ها بالا و پایین بیاید (راغب‌اصفهانى، ۱۴۱۲: ۳۸۰) الشَّهِيق؛ هم به معنای طول زفیر و هم به معنای برگرداندن و بیرون دادن تنفس عمیق و طولانی (همان: ۴۶۸).

در مجمع البیان آمده: «زفیر» به معنای ابتدای عرعر خران و «شهیق» به معنای آخر آن است. در کشف نیز آمده: «زفیر» به معنای کشیدن نفس و «شهیق» به معنای برگرداندن آن است. اصل کلمه «الشَّهِيق» از «جبل شاهق» است که به معنای کوه طولانی و بلند است. با دقت در این تعبیر روشن می‌شود که این معانی قریب به هم هستند. این تعبیر بدین معناست که اهل جهنم نفس‌های خود را به سینه‌ها فرو برده با بلند کردن صدا به گریه و ناله آن را برمی‌گردانند، همانطور که خران صدا بلند می‌کنند. و این ناله‌ها از شدت حرارت آتش و عظمت مصیبت و گرفتاری است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۹۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۴۳۰).

در آیه شریفه فوق حالت و صدایی که دال بر شدت و زشتی عذاب الهی دارد به‌عنوان فضایی عام و فضای ذهنی بلندی صدای الاغ و حالات خاص آن به‌عنوان درون‌داد اول و فضای ذهنی یک انسان در حال عذاب که پی در پی نفس می‌کشد و با صدای بلند ناله می‌کند به‌عنوان درون‌داد دوم برای شبکه تلفیق در نظر گرفته شده است. فضای سومی که از تلفیق این دو درون‌داد به وجود آمده، فضایی نوظهور می‌باشد؛ گویای صدای دوزخیانی است که از شدت عذاب صدا و حالاتی چون صدای الاغ از خود بروز می‌دهند و این حالات و صحنه‌ها دال بر تلفیقی است که حاصل این دو درون‌داد است و حکایت از عذاب دردناک الهی برای ستمکاران دارد. در این فضای تلفیقی انسان عاقل کنه مسأله را درمی‌یابد، چرا که خداوند بهترین تشبیه را برای درک این صحنه آورده است. این حالت زشت‌ترین و دردناک‌ترین حالت برای یک انسان ستمکار است، زیرا صدای الاغ از زشت‌ترین صداهاست. این فضای تلفیقی در قالب ساختاری ساده و شبکه‌ای دومنظر ترسیم گردیده است.



#### نمودار ۴-۵

در این نمونه دو فضای درون‌داد چارچوب‌های جداگانه‌ای دارند (چارچوب یکی از درون‌دادها مربوط به بلندی صدای الاغ و حالات خاص آن و چارچوب درون‌داد دیگر، انسان در حال عذاب است که پی در پی نفس و با صدای بلند ناله می‌کشد) اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار رفته‌اند. پس این تلفیق، دو منظر است.

#### ۶-۴ سختی‌های مرگ

**(يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ) (ابراهیم/۱۷)**

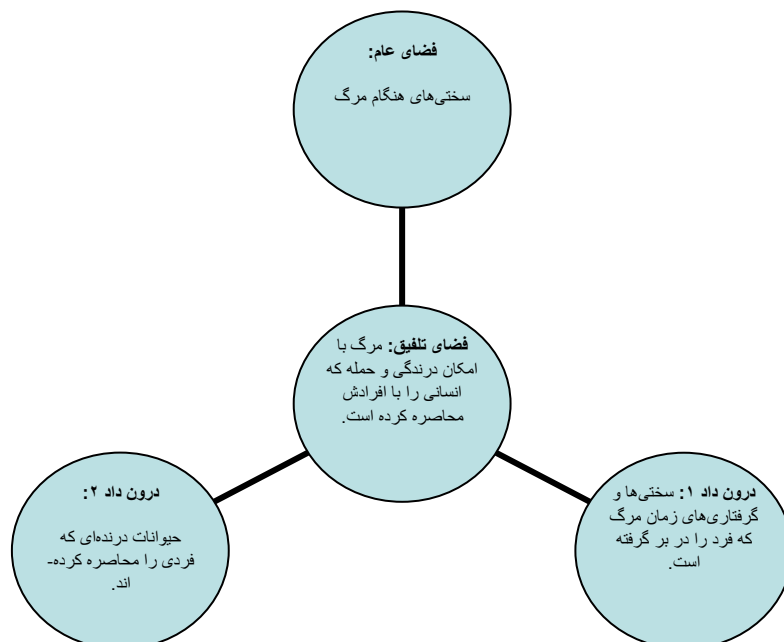
زمخشری ذیل استعاره اول «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» آورده: منظور از اسباب مرگ و نشانه‌های آن از هر جهت، دردهایی است که بدان دچار شده‌است. (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۵۴۶). در کتاب «الجدول فی اعراب القرآن» ذیل آیه آمده: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ»: مجاز دارد یعنی اسباب مرگ با سختی و انواع عذاب روی می‌آورد، در این تعبیر مجاز یا به تقدیر مضاف، معنای مذکور توجیه دارد (صافی، ۱۴۱۸، ۱۳: ۱۷۲).

در آیه شریفه فوق فضای ذهنی یک انسان در حال احتضار (مرگ) متصور است که با اضطراب و ترس به اطراف نگاه می‌کند، گاهی هراسان، گاهی آرام و همواره در تب و تاب و در محاصره درد و گرفتاری و خطر فوت است. در این حالت سختی‌ها و گرفتاری‌های زمان مرگ که فرد را در بر گرفته‌است، به‌عنوان درون‌داد اول است؛ در درون‌داد دوم فضای ذهنی متصور است که حیوانات درنده‌ای فردی را محاصره کرده‌اند. در فضای عام نیز؛ فضای سختی‌های مرگ گنهکاران مطرح است. با تلفیق فضاهای فوق (درون‌داد اول و دوم) مخاطب خود را در محاصره مرگ احساس می‌کند و مرگ در قالب موجودی ترسناک با امکان حمله و قتل از جهات گوناگون به او نزدیک می‌شود.

**فضای عام: سختی‌های هنگام مرگ**



درون داد اول: سختی‌ها و گرفتاری‌های زمان مرگ که فرد را در بر گرفته‌است.  
 درون داد دوم: حیوانات درنده‌ای که فردی را محاصره کرده‌اند.  
 فضای تلفیق: مرگ با امکان درندگی و حمله که انسانی را با افرادش محاصره کرده‌است.



#### نمودار ۴-۶

در این نمونه دو فضای درون داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون دادها مربوط به لحظه فرارسیدن مرگ انسان و چارچوب درون داد دیگر اسباب و نشانه‌های مرگ است) دارند اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار رفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی دو منظر است.

#### ۷-۴ مسئولیت انسان در قبال عملش

(وَكُلُّ إِنْسَانٍ لِّزَمَانِهِ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا) (الإسراء/ ۱۳)

شبهه‌ای تلفیقی در آیه شریفه فوق برای تعبیر «طائر» به نظر می‌آید. مفسران «طائر» را در آیه بمعنی عمل گرفته‌اند. خود آیه نیز می‌فهماند مراد از «طائر» هر عمل خوب و بد انسان است که از وی قابل انفکاک نیست و به حکم خداوند، خیر و شر به خود عامل مربوط است. راغب در این باره حق سخن را ادا کرده آنگاه که در ذیل آیه گوید: «أَيَّ عَمَلِهِ الَّذِي طَارَ عَنْهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۲۹؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۶۲). «الطَّيْرُ»: اسم لجماعه ما يطير، مؤنث، و الواحد طائر. همچنین در معنای «طائر» آمده: «شأنس یا عمل انسان» (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۰۸؛ فراهیدی، ۱۹۸۰، ج ۷: ۴۴۷). صاحب «المیزان» آورده: مقصود این است؛ آن چیزی که سعادت و شقاوت را به دنبال خود برای آدمی خواهد آورد همواره در گردن او باشد و این خداست که سرنوشت

آدمی را چنین لازم لاینفک او کرده‌است و این سرنوشت همان عمل آدمی است. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۳: ۴۶).

صاحب اُطیب البیان نیز ذیل آیه مذکور آورده: «تعبیر به «طائر» به مناسبت پرواز کردن نامه‌هاست که به دست صاحب آن داده می‌شود. «الزام در عنق»؛ کنایه از اینکه به واسطه شهادت اعضاء و جوارح و انبیاء و ائمه و ملائکه و سایر شهود، نتوانند انکار کنند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸: ۲۲۹).

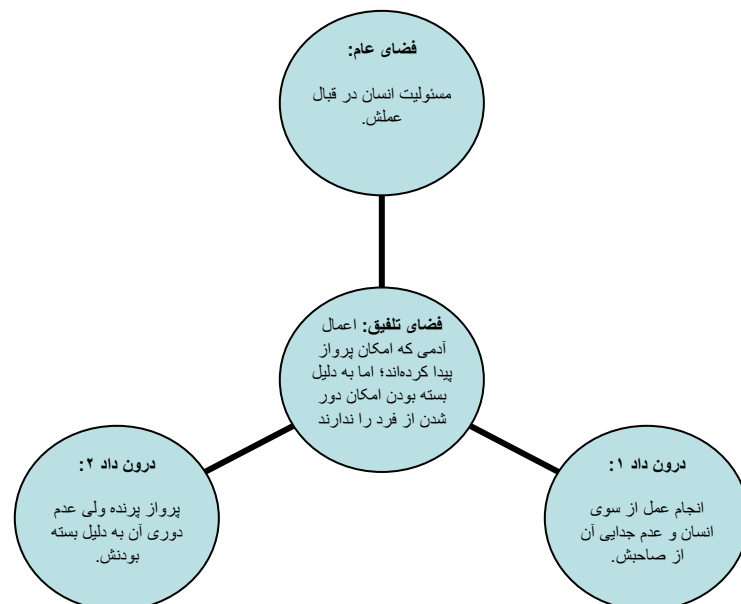
در آیه شریفه فوق، انجام عمل از سوی انسان و عدم جدایی آن از صاحبش به‌عنوان درون‌داد اول و پرواز پرنده ولی عدم دوری آن به دلیل بسته بودنش به‌عنوان درون‌داد دوم در نظر گرفته شده‌است. در این شبکه تلفیقی فضایی عام قابل استنباط است که آن مسئولیت انسان در قبال عملش خواهد بود. در نهایت با ایجاد انسجام در این شبکه فضایی تلفیقی حاصل می‌شود که اعمال آدمی در دنیا این امکان را دارند که به سان پرنده‌ای باشند که به انسان بسته شده‌اند و امکان دوری از انسان را ندارند؛ لذا انسان در قبال عملش مسئول خواهد بود و مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت.

**فضای عام:** مسئولیت انسان در قبال عملش.

**درون‌داد اول:** انجام عمل از سوی انسان و عدم جدایی آن از صاحبش.

**درون‌داد دوم:** پرواز پرنده ولی عدم دوری آن به دلیل بسته بودنش.

**فضای تلفیقی:** اعمال آدمی که امکان پرواز پیدا کرده‌اند؛ اما به دلیل بسته بودن امکان دور شدن از فرد را ندارند و فرد دامنگیر این اعمال است.



در این نمونه دو فضای درون‌داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون‌دادها مربوط به پرواز نامه اعمال انسان و چارچوب درون‌داد دیگر شانس یا عمل انسان است) دارند اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار رفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی دومنظر است.

#### ۸-۴ حسابرسی دقیق

(يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَفْرءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلاً) (الإسراء/۷۱)

شبکه‌ای تلفیقی در آیه شریفه فوق برای تعبیر «فَتِيلاً» به نظر می‌آید. «فتل»: تابیدن. «فتیل»: تابیده. راغب گوید چیز نخ مانند را که در شیار هسته خرماست «فتیل» گویند که به تابیده شبیه است. ایضاً «فتیل» لیف شیار هسته خرما و چرکی که میان دو انگشت گردانده شود، گفته‌اند. در مفردات گفته: شیء حقیر را بدان مثل زنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۳). در تفاسیر مختلف ذیل این تعبیر توضیحاتی آمده از جمله در تفسیر قمی «فتیل» پوسته‌ای است نازک که روی هسته خرما را پوشانده‌است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳: ۱۶۸).

طبرسی نیز در تفسیر خود ذیل این تعبیر کنایی آورده: در آیه «وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلاً»: یعنی از پاداش اعمال آنها پشیزی کم نخواهد شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۶۶۱).

لازم به ذکر است که در فرهنگ عرب مشابهاتی برای تعبیر قرآنی مذکور «فَتِيلاً»؛ آمده، تعابیری چون: قَيْدُ اُنْمَلَةٍ، حَبَّةُ خَرْدَلٍ، شُرُوبِ نَقِيرٍ، شَخْطَةُ وَاحِدَةٍ، که معادل کلمه «سرسوزن و سرمو» در زبان فارسی است (ایوکی و میراحمدی، ۱۳۹۵: ۲۸۰).

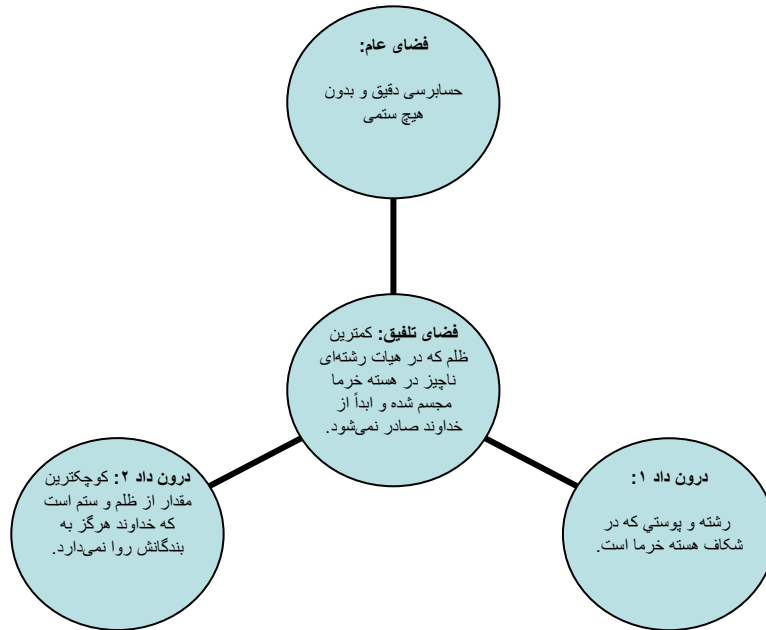
در آیه شریفه فوق، شبکه تلفیقی منسجمی در فضایی عام حسابرسی دقیق خداوند از انسان که بدون هیچ ظلم و ستمی صورت می‌گیرد، متصور شده‌است. در این شبکه رشته و پوستی که در شکاف هسته خرما است در قیاس با سرسوزن به عنوان درون‌داد اول و کم‌ترین مقدار در حسابرسی که معادل سرسوزن و سرمو در فارسی است، مورد توجه خداوند است که به‌عنوان درون‌داد دوم در نظر گرفته شده‌است. در نهایت با ایجاد انسجام در این شبکه فضایی تلفیقی حاصل می‌شود و آن انسانی است در قیامت که نتیجه عمل خود را به‌طور دقیق دریافت می‌کند و کوچکترین ستمی و سرسوزنی معادل رشته و پوستی که در شکاف هسته خرماست نیز به او ظلم نمی‌شود.

**فضای عام:** حسابرسی دقیق و بدون هیچ ستمی.

**درون‌داد اول:** رشته و پوستی که در شکاف هسته خرما است.

**درون‌داد دوم:** کوچکترین مقدار از ظلم و ستم است که خداوند هرگز به بندگانش روا نمی‌دارد.

**فضای تلفیقی:** کمترین ظلم و ضایع کردن عمل که در هیات رشته‌ای ناچیز در هسته خرما مجسم شده و همین مقدار هم ابداً از خداوند صادر نمی‌شود.



#### نمودار ۴-۱

در این نمونه دو فضای درون‌داد چارچوب‌های جداگانه‌ای (چارچوب یکی از درون‌دادها مربوط به رسته و پوستی که در شکاف هسته خرما و چارچوب درون‌داد دیگر کم‌ترین مقدار معادل سرسوزن و سرمو در فارسی است) دارند اما هر دو چارچوب در ساخت تلفیق به کار نرفته‌اند. پس این تلفیق، تلفیقی تک منظر است.

#### ۵- نتیجه‌گیری

- در تحقیق حاضر مشخص شد تلفیق مفهومی در قرآن، کاربرد وسیع و نقش مهمی در معرفی حالات اخروی صالحان و گنهکاران ایفا نموده‌است.

- یکی از نقش‌های نظریه تلفیق مفهومی، تقریب ذهن در مسائل انتزاعی یا عقلی به مسائل محسوس، ملموس و مشهود است. مسأله تقریب باعث نهادینه کردن مطلب مورد نظر و درک بیشتر برای مخاطب است. که در یکایک آیات قرآنی در متن مقاله مشاهده شد.

- با دقت در آیات بررسی شده درمی‌یابیم که تلفیق مفهومی از نوع دو منظر با بیشترین بسامد در معرفی حالات اخروی صالحان و گنهکاران نمود دارد. این نوع تلفیق دارای بیشترین خلاقیت و میزان پیچیدگی است. از آنجایی که در ساخت تلفیق دو منظر هر دو درون‌داد در شکل‌دهی تلفیق نقش دارند، یعنی هم حوزه عینی یا تجربی و هم حوزه انتزاعی و همچنین معنای نوظهوری که در فضای تلفیق به وجود می‌آید، در مجموع باعث پیچیدگی عنوان و درک سخت‌تر آن می‌شود و این خود از بلاغتی خاص برخوردار است.

- در مجموع محتوای مفهوم‌سازی‌ها در خصوص معرفی حالات اخروی صالحان و گنهکاران در نمونه‌های دارای تلفیق مفهومی حاوی این پیام است: از منظر این نظریه به شیوه تهکم و استهزاء؛ تضاد به منزله تناسب گرفته

شده است؛ نحوه برخورد خالق و مخلوق؛ کج و معوج نشان دادن راه از طریق ایجاد شبهات در دین خدا؛ «نسیان» خداوند و انسان که در ظاهر به یک معنا با این تفاوت که مقصود از فراموشی خداوند، رها کردن انسان فراموشکار و به حال خود گذاشتن است؛ همچنین فضایی نوظهور در مورد صدای دوزخیانی که از شدت عذاب، صدا و حالاتی چون صدای الاغ از خود بروز می دهند، در تصاویر دیگری ترسیم شده است.

در قالب تلفیقی دیگر فرا رسیدن لحظه مرگ، اسباب و نشانه‌های آن آمده است. در ادامه در قیامت و هنگام عذاب کردن انسان گنه‌کار و نوشیدن آب ناگوار، گویی از شدت عذاب، مرگ با او قرین گشته، با چشم عقل مرگ را احساس می کند، گویی آن را می بیند. نتیجه عمل خود را به طور دقیق و بدون کوچکترین ستمی دریافت می کند.

## منابع و مآخذ

### - قرآن

- الشریف الرضی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۶ق). *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، محقق: محمد عبدالغنی، دط، لبنان: دار الأضواء.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۶۳ش). *لسان العرب*، ادب الحوزه: قم.

- اردبیلی، لیلا و دیگران، (۱۳۹۱). «روایت شناسی شناختی (کاربست نظریه آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانه ایرانی)».

ادب پژوهی. تهران؛ ۲۱، ۹-۳۲.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، ۵ جلد، چاپ اول، لبنان- بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- تیلور، جانار و لیتل مور، (۲۰۱۷ {۱۳۹۶}). *راهنمای زبان شناسی شناختی*، ترجمه، وجیه فرشی و نجمه فرشی، تهران؛ نشر نویسه فارسی.

- راسخ مهند، محمد، (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان شناسی شناختی*. تهران: سمت.

- الهاشمی بک، احمد. (۱۳۷۳ش). *جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع*، مکتبه المصطفوی.

- انصاریان، حسین، (۱۳۸۳ش). *ترجمه قرآن*، اسوه: قم.

- رازی ابوالفتح، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- عبدالملکیان، گروس، (۱۳۹۳). *پدیرفتن*. تهران: نشر سرچشمه.

- لاری متفکر، مرجان، (۱۳۹۲). *بررسی آمیزش مفاهیم در نمونه‌هایی از عناوین خبری در بخش ورزشی روزنامه*

*خبر جنوب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه شیراز (واحد بین الملل).

- ندیمی، نرجس، (۱۳۹۲). *بررسی و تحلیل اخبار سه شبکه تلویزیون ایران بر اساس نظریه آمیزه مفهومی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- یوسفیان، بهاره، (۱۳۹۶). *بررسی نظریه تلفیق مفهومی در اسم‌های مرکب زبان فارسی: رویکرد شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار الشامیة.

- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل*، چاپ سوم، لبنان- بیروت: دارالکتاب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). *الإتقان في علوم القرآن*، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العربی.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). *تفسیر اثنی عشری*، ۴جلد، تهران: میقات.
- صابونی، محمد علی. (۱۴۲۱ق). *صفوة التفاسیر*، الطبعة الأولى، بیروت: دار الفکر.
- صافی، محمود، (۱۴۱۸ق). *الجدول في إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة*، دمشق: دار الرشید.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق). *المیزان في تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان في تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*، قم: حوزه علمیه قم.
- طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش). *أطیب البیان في تفسیر القرآن*، اسلام: تهران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق). *العین*، مؤسسه دار الهجرة: قم.
- قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸). *تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأویل*، محقق: عیون سود، محمد باسل، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*، چاپ ششم، دار الکتب الإسلامیة: تهران.
- گلغام، ارسلان، (۱۳۸۳). «اصول بنیادی زبان شناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد زبان شناسی زایشی»، مجموعه مقاله های ششمین کنفرانس زبان شناسی، به کوشش ابراهیم کاظمی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- نجفی ایوکی، علی و میراحمدی، سید رضا، (۱۳۹۵ش). *فرهنگ تعابیر متداول فارسی- عربی*، چاپ دوم، دانشگاه کاشان: کاشان.

## The semantics of the verses of The afterlife states of righteous people and sinners in the first half of the Quran based on the theory of conceptual integration<sup>۱</sup>

### Abstract

Today, the science of semantics is one of the sciences that is widely used in Quranic research. Cognitive semantics is a branch of semantic science that considers the relationship between form and meaning to be a strong relationship that neither is independent of the other. The theory of conceptual integration (۱۹۹۳: Fauconie and Turner)<sup>۲</sup> is also of interest to many cognitive linguists with this approach, and in various linguistic issues, it has been able to open the

<sup>۱</sup>-Conceptual Blending.

<sup>۲</sup>- F.g & T.m

way for many linguistic constructions that have figurative meaning and express the precise and comprehensive meaning of Let them be. The topic of resurrection is one of the Quranic topics that have been discussed with different interpretations. To understand and understand this topic accurately, the theory of conceptual fusion is an accurate and guiding tool. The fusions made in terms of structure are divided into two types of simple and multiple fusions. And in terms of the unification network, they are divided into four types: simple, mirror, single-view and two-view combinations. The result of the research indicates that most of the Qur'anic examples in this research have a simple structure. In terms of integration networks, the number of two-way integrations is more than the rest, and this indicates the greatest creativity and level of complexity in the examined examples.

**Keywords:** cognitive linguistics, conceptual integration, Quran, resurrection.